

سیسی و برهان و دروغ بازسازی سودان

استاد عبد الخالق عبدون علی

نظرات سیاسی

روزنامه الشرق الاوسط در تاریخ ۲۸ آوریل ۲۰۲۵ خبیری با عنوان «سیسی و برهان، امنیت آبی و بازسازی سودان را بررسی کردند» منتشر کرد. در این خبر آمده است که سیسی، برهان را در فرودگاه قاهره استقبال کرده و این سفر در پاسخ به دعوت رئیس‌جمهور مصر و با هدف «تقویت همکاری دو جانبه و تأکید بر حمایت قاهره از خارطوم در شرایط جنگ داخلی کنونی» صورت گرفته است. سخنگوی رسمی ریاست‌جمهوری مصر اعلام کرد که دو طرف ابتدا نشست‌های مرمیانه و سپس جلساتی گسترده با حضور هیئت‌های دو کشور برگزار کردند که در آن راه‌های تقویت همکاری دو جانبه و مشارکت مصر در تلاش‌های بازسازی و بازگرداندن آنچه جنگ در سودان ویران کرده، مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر این، ادامه پروژه‌های مشترک در زمینه‌های هم‌افزایی، اتصال برق، راه‌آهن و تجارت نیز مطرح شد. در مذاکرات سیسی و برهان همچنین به پروژه‌های مشترک در زمینه‌های حیاتی مانند برق، راه‌آهن، تجارت، فرهنگ، علم، بهداشت، کشاورزی، صنعت و معدن پرداخته شد. با هدف تقویت یکپارچگی و استفاده بهینه از ظرفیت‌های گسترده میان دو کشور، بنا بر اعلام ریاست‌جمهوری مصر -

در جلسه گسترده‌ای که با مشارکت هیئت‌های دو کشور برگزار شد، پیشرفت‌های میدانی اخیر نیروهای مسلح سودان از جمله بازپس‌گیری پایتخت خارطوم نیز بررسی شد. دو طرف توافق کردند که تلاش‌ها برای فراهم‌کردن حمایت و کمک‌های لازم به سودانی‌های ساکن مناطق جنگی را افزایش دهند. سفیر سودان در قاهره، عدنان عدوی، گفت که کشورش اراده تقویت روابط با مصر را دارد و دیدار سیسی و برهان «مق و استحکام روابط سودان و مصر و تطبیق دیدگاه‌ها و مواضع دو کشور را نشان داد». همچنین مشاور سفارت سودان در قاهره، ژنرال امین مجذوب، به الشرق الاوسط گفت که کشورش قادران نقش مصر در نزدیک‌کردن دیدگاه‌ها و گردآوردن نیروهای سیاسی سودان است. علاوه بر نقشی که در سطح منطقه‌ای میان سودان و کشورهای دیگر برای پایان‌دادن به جنگ ایفا می‌کند.

به نظر می‌رسد که سفر برهان اهداف پنهانی دارد و مسائلی مانند بازسازی یا سد النهضة تنها پوششی برای آن هیستند، چراکه این مسائل بیشتر در فوره گذشته تعیین تکلیف شده بودند. الجزیره در تاریخ ۲۳ فوریه ۲۰۲۵ گزارش داد که وزیر خارجه مصر، بدر بداعی، اعلام کرده مصر و سودان توافق کرده‌اند تا یک گروه کاری مشترک برای تمرکز بر پوشش‌های بازسازی سودان پس از پایان جنگ تشکیل دهند. ارتش سودان نیز در بیانیه‌ای اعلام کرده که شهر القطنیه را بازپس گرفته و واحدهایی از نیروهای واکنش سودان با هم‌مدد کرده و راه را به‌سوی شهر البلیخ باز کرده است.

به نظر می‌رسد که ایالات متحده، سپس از ناکام‌گذاشتن اجلاس لندن، به توانایی بریتانیا در تأثیرگذاری بر صحنه سودان پی برده است. با اینکه اجلاس شکست خورد، اما توانست توجه جهانی را به وضعیت انسانی در دارفور جلب کند و در نتیجه فشار بین‌المللی برای توقف جنگ تحت شعارهای «افزایش یافتن، اکنون آمریکا در تلاش است این فشارها را مهار کند تا به زیمان مزدورانش تمام نشود؛ بنابراین، بلافاصله پس از شکست اجلاس، برهان به مصر فراخوانده شد تا گام‌های بعدی هماهنگ شوند و صحنه سیاسی مجدداً بازآرایی شود و این دیدار همچنین برای تقویت موقعیت عامل خود، برهان، صورت گرفت؛ زیرا از او به‌عنوان رئیس‌جمهوری قانونی کشور استقبال شد و این امر جایگاه بین‌المللی او را مشروع جلوه داد. جلساتی مرمیانه با سیسی برگزار شد و پس از آن جلسه‌ای گسترده با حضور هیئت‌ها شکل گرفت که موضوعات بازسازی و مسائل مشترک را پوشش داد. بنا بر این، گفت‌وگو درباره بازسازی به نظر می‌رسد تنها پوششی تفسیری برای آن جلسه مرمیانه با سیسی بوده که جزئیاتش اعلام نشده است.

از آنجاکه موضوع بازسازی معمولاً زمانی مطرح می‌شود که نزاع رو به پایان است، نه درحالی‌که جنگ در اوج خود و تخریب زیرساخت‌ها ادامه دارد، این طرح در این زمان خاص نشانه‌ای است برای نیت برای پایان دادن به جنگ و آماده‌سازی برای یک تسویه سیاسی. برای نمونه، پالیسیاها نفت در شهر البلیخ در هفته گذشته هدف قرار گرفت، نیروهای واکنش سریع وارد شهر النهد شدند و فرودگاه‌های کسلا و پورتسودان نیز با پیاده‌ها مورد حمله قرار گرفتند و در نتیجه، طرح‌کردن این پرونده در این زمان نشان‌دهنده وجود نیت برای توقف جنگ و زمینه‌سازی برای یک توافق سیاسی است و این بدان معناست که موضوعی در پشت پرده در حال تدارک است.

بهمحض بازگشت برهان از سفرش به مصر، شروع به ارسال پیام‌های سیاسی سیسی کرد که حاوی نشانه‌های آشکاری از حذف جناح مدنی از محته بود. او به اپوزیسیون و ابزارهایش حمله کرد و تلوینا گفت که دوران آن‌ها به پایان رسیده و مرحله بعدی «مرحله افتخار برای تفنگ» است. هم‌زمان با این پیام‌ها، خبرهایی منتشر شد مبنی بر انتصاب نخست‌وزیر و وزیر خارجه که نشان‌دهنده آغاز شکل‌گیری قدرتی جدید برای دوره آینده است، آن‌هم دور از نیروهای مدنی.

زمان‌بندی این تغییرات به‌وضوح نشان می‌دهد که هدف واقعی سفر، گفت‌وگو درباره بازسازی نبوده، بلکه هماهنگی برای اجرای یک محته سیاسی جدید بوده است. آنچه این موضوع را تأیید می‌کند، تحرکاتی است که پس از سفر برهان به مصر رخ داد، از جمله دیدار رمضان لعاصره، مزدور بریتانیا، با وزیر خارجه مصر و نمایندگان اتحادیه عرب که به نظر می‌رسد واکنشی به دیدار برهان باشد.

در همین زمان خاص نیز صحبت از برگزاری اجلاس فریب‌الوقوع در مصر درباره سودان مطرح شده است که به نظر می‌رسد نتیجه مستقیم این دیدارها یا دنباله‌ای از گفت‌وگوهایی باشد که در جریان سفر برهان به قاهره انجام شد. در نهایت می‌توان گفت که سفر برهان با هدف بازچینی محته سیاسی سودان برای مرحله آینده انجام شد، درحالی‌که صحبت از بازسازی تنها پوششی بود برای پنهان‌کردن دستورات واقعی این سفر که نشانه‌های آن پس از بازگشت برهان آشکار شده‌اند.

متأسفانه، کشوری همچون سودان اکنون به طمع‌گاه دولت‌های کافر تبدیل شده است که در آن فساد می‌ورزند و ماشین کشتار را به راه می‌اندازند تا به اهداف پست خود برسند. مهم نیست که خون مردم ریخته شود، زمان مورد تجاوز قرار گیرند و مردم بخش اعظم درایی‌هایشان را از دست بدهند؛ زیرا پیش‌اقدام اجرای این نقشه شوم همان حاکمان هستند که کشور را با همه چیزش به آمریکا تسلیم کرده‌اند تا هر آنچه خواهد در آن انجام دهد، جنگ به راه اندازد هر وقت که خواست و هر زمان که اراده کرد، آن را متوقف سازد!

کشورهای مسلمان به‌طور دائم در جایگاه «به بازی گرفته شدن»، قرار گرفته‌اند، از زمانی که دولت خدافت، دولت عزت و شکوه را از دست داده‌اند. همان دولتی که بازیگر اصلی در سیاست بین‌المللی بود، برقیب و هیچ دولتی جرئت نمی‌کرد سخن آن را زیر پا بگذارد. پس تنها راه نجات، نابودکردن این دولت‌های جعلی و مرزی است که کمار با چشم باز آنها را پدید آوردند و برپایی حاکمیت اسلام، خلافت راشده‌ای بر منهج نبوت که شکوه از دست‌رفته امت اسلامی را بازگرداند.

افزایش تنش جاری میان پاکستان و هند، برگ انتخاباتی برای مودی و راه گریزی برای حاکمان پاکستان از فشار ناشی از ناکامی در قبال غزه است

استاد بلال المهاجر - ولایت پاکستان

آدمی به همراه حزب کنگره ملی هند از معدود احزاب مخالفی است که در پیش از یک ایالت در سطح کشور نفوذ دارد، درحالی‌که بیشتر احزاب مخالف تنها در یک ایالت تأثیرگذار هستند. اگر حزب عام آدمی بتواند قدرت را در دهلی حفظ کند، جایگاهش را به‌عنوان نیروی اصلی مخالف در سطح ملی تقویت خواهد کرد. در مقابل، این انتخابات برای حزب بهارنیا جاناتا نیز اهمیت دارد، چراکه از سال ۱۹۹۸ تاکنون در هیچ انتخاباتی برای تشکیل دولت در دهلی پیروز نشده و از قدرت در این ایالت دور مانده است.

از این رو، تلاش بی‌وقفه حزب مودی برای پیروزی در مهم‌ترین ایالت‌های هند و نبود برنامه‌های انتخاباتی جذاب برای این‌دهندگان، او را به سمت ایجاد یا بهره‌برداری از این حادثه سوق داد، پس از آن‌که مسیر را برای مهاجمان هموار کرد؛ چراکه منطقی‌ها در حمله در آن رخ داد، از نیروهای امنیتی که معمولاً در این ایالت فرمان‌راند، خالی بود؛ این حزب همواره پیرونده فرقه‌ای را به‌عنوان برگ برنده انتخاباتی خود به کار گرفته و دلیل استفاده از این خشونت فرقه‌ای، احتمال ضعیف پیروزی حزب مودی در انتخابات اخیر ایالت بود، بنابراین لازم بود تحریک و رخداد در سطح کشور صورت گیرد، نه صرفاً در سطح ایالتی.

در سوی دیگر، دولت پاکستان که مردم کشمیر را رها کرده است، این روزها با فشارهای شدید افکار عمومی روبه‌رو است؛ به دلیل خیانتش به سرزمین مبارک فلسطین و نیز به‌خاطر راهپیمایی‌ها و تظاهراتی که این سکون را محکوم می‌کنند و خواهان بزرگ‌تر آرداردن ارتش پاکستان برای پیروزی به‌سوی قدس‌اند. در این شرایط، دولت پاکستان فرصت خود را برای صلح یافت تا نگاه مردم را از مطالبه یاری برای مردم غزه به‌سوی مقابله با دشمن سرخستی که «در کمین‌شان است» و تهدید به انتقام می‌کند، منحرف سازد. این رخداد به مصلحتی مشترک برای دو دولتی که برای آمریکا هستند تبدیل شد، بگونه‌ای که در قالب آن به تبادل سخنان آتشین پرداختند و در بیان آن‌ها ترغیب‌نمایی کردند، بی‌آنکه تاکنون، با وجود گذشت بیش از ده روز و پایان انتخابات ایالتی، هیچ اقدام تلافی‌جویانه واقعی رخ داده باشد!

اگر پاکستان در این رخداد با هند هم‌مدت نبود، آن فرصتی طلایی برای لغو تمام معاهدات صلح و عادی‌سازی با هند قرار می‌داد و برای آزادسازی جامو و کشمیر و الحاق آن به پاکستان حرکت می‌کرد؛ آن‌هم در شرایطی که غرب و چین سرگرم مقابله با یکدیگرند؛ اما تحقق چنین چیزی در سایه رهبری‌هایی سست و خیانت‌کار نسبت به مسائل امن از جمله مسئله کشمیر و سرزمین مبارک فلسطین ممکن نیست. بر افراد مخلص در ارتش پاکستان واجب است که به موقوف خود از این رهبران سیاسی‌سازی کرده و نصرت را در حزب‌های بدهنده؛ حزبی که کشور، ملت و ارتش هسته‌ای در راه آزادسازی سرزمین‌های مسلمانان از چنگ اشغالگران رهبری خواهد کرد و تمام شبه‌قاره هند را به آغوش اسلام و پناه مسلمانان باز خواهد کرد؛ و این امر، جزوئی به خواست الهه سبحانوتعالی تحقق خواهد یافت و بر مخلصان چیزی جز انجام آنچه الهه سبحانوتعالی بر آنان واجب کرده، لازم نیست تا پادشاه باذاتش هند رسوای شود.

پس از فرستادن پیامی برای لغو تمام معاهدات صلح و عادی‌سازی با هند، میان دو حزب مهم‌ترین ایالت هند است و به‌طور جغرافیایی به کشمیر متصل است. هند به ۲۸ ایالت و ۸ منطقه اتحادی تقسیم می‌شود. که ایالت‌ها دولتی‌ها منتخب با نخست‌وزیر و مجلس قانون‌گذاری دارند که به آن‌ها درجه پالیایی از خودمختاری می‌دهد، علاوه بر کنترل بر امنیت، پلیس و اراضی با اینکه دهلی منطقه‌ای اتحادی به‌شمار می‌رود، اما به‌عنوان پایتخت ملی جایگاه ویژه‌ای دارد. اهمیت این انتخابات برای حزب عام آدمی و بهارنیا جاناتا به این دلیل است که نقشه عطفی برای حزب عام آدمی مسوس می‌شود، به دلیل نخست، این حزب در سال‌های گذشته هدف حملات مکرر حزب بهارنیا جاناتا قرار گرفته و بسیاری از وزرای دولت دهلی از جمله رهبرش کجریوال بازداشت‌شده‌اند؛

دولت به دلیل فریاد حق‌طلبی جوانان حزب‌التحریر آن‌ها را بازداشت می‌کند

بر اساس بیانیه‌ای از دفتر مطبوعات حزب‌التحریر در سرزمین مبارک فلسطین، دستگاه‌های امنیتی فلسطین اقدام به بازداشت شیخ جندل ملاح، خطیب معروف، در روز یکشنبه ۲۰۲۵/۴/۱۸ کردند. سپس این دولت جرم دیگری را در مسجد الفردوس در نابلس پس از نماز مغرب روز شنبه ۲۰۲۵/۴/۲۴ مرتکب شد، زمانی که دو نفر از مزدوران آن به مهدس حسام ملحس که روز قبل در مورد غزه احد و وضعیت مناقش خلق کرده بود، به دلیل سخنانی درباره دعوت به راه‌آهن ملل و رجوع به حقوق بین‌الملل، تعرض کردند؛ زیرا دولت، همان‌طور که از اعمالش پیداست، خود مشکوک است و مزدورانش هر مدایی را علیه خود می‌دانند، لذا آن‌ها درس مهدس حسام را تهنیدی علیه خود تلقی کردند و مسجد و نمازگزاران را دچار اضطراب کردند. در این میان، امام مسجد و مردم به دخالت پرداختند تا مانع از رفتارهای سرکوبگرانه در ذهن‌های الهه سبحانوتعالی شوند، اما مزدوران برای بازداشت مهدس حسام و استاد صبح نیتو فرخواندند.

بیانیه افزود: جزئیات‌های دولت در ادامه همان خطشی جنایتکاری است که توسط حکومت‌های کشورهای مسلمان، از جمله حکومت اردن، انجام می‌شود که مردم اردن را به‌خاطر دعوت به جهاد و آزادسازی فلسطین و حمایت از غزه زندانی می‌کنند؛ اما دولت فلسطین بسیار کوچک‌تر از آن است که بتواند در برابر اهل اسلام بایستد یا در برابر دعوت خلافت که حزب‌التحریر حمل کرده و در گوش و چشم امت‌طین‌انداز کرده است، تأثیر بگذارد. بلکه تمام ایالت حکومت‌ها و همراه با آن‌ها به‌بود که همچون گروه‌های فرقه‌ای، در برابر پروژه الهه سبحانوتعالی می‌کنند؛ اما دولت فلسطین بسیار کوچک‌تر از آن است که بتواند در برابر اهل اسلام سرکوب مردم در حقیقت تلاش‌هایی ناروا فرجام هستند، همانند تلاشی از نایب‌امدان در دریا که در برابر امواج سهمگین در حال عقب‌نشینی هستند و طوفان نزدیک است و غرق شدن تاملانم قریب‌الوقوع است.

سرمود به اراده الله سبحانوتعالی نخواهد بود جزو خلافت دوم بر منهج نبوت.

ممکن است برخی مردم فکر کنند که تپناهیو زمانی که گفت «من هیچ‌گاه خلافتی بر سواحل مدیترانه در نواهم پذیرفت» از موقعیت قدرت و پیروزی سخن می‌گوید، اما درحقیقت درمی‌یابد که این سخن از خشونت است که در دل او بازگفت؛ خلافت وجود دارد، او از این سخن نفید؛ زیرا به امت اسلام اشاره می‌کند که جز برای خلق خود نیامد، ولی درعین‌حال به‌طور غیرمستقیم به کشورهای کفر یادآوری می‌کند که او در حال انجام مبادی (جولگری از نایب‌دولت خلافت) به نیت آن‌گان است. او با نشان دادن قدرت و توان پیروزی، او را واقع می‌داند و مطمئن است که امت اسلام در برابر او ایستاده و شکست‌ناپذیر است و نخستین کسانی که این ایستادگی را از آن‌ها می‌بینیم، اهل شام هستند. اهل لبنان و فلسطین و اطراف آن و از آن میان غزه و آذربایجان هر کتانی که مسلمانان در آنجا باشد. اگر تنها غزه نتوانسته این رژیم را و کشورهای کفر و دست‌نشانده‌ای را که پشت آن هستند به شکست بکشد، پس چه خواهد کرد وقتی که این امت را در برچم خلافت را بر دوشی کشد و صورت‌های آنان را هم ببیند و در آن‌ها تحقق یابد آنچه الهه سبحانوتعالی در قرآن فرموده است: «فإذا جاء وعد الأخره ولجونا همک و لیلخونا اهل مدینه بعد ما علوا تنبیرا، و چون وعده آخیرت فرا رسد تا بفرمان‌های آن و چون همگ سازند و بار دیگر همان‌گونه که نخستین بار وارد مسجد شدند، خواهند شتند و آنچه را به آن دست‌نشانده‌اند، بجلی نابود کنند». اگر او نمی‌تواند «خلافتی بر سواحل مدیترانه» را بپذیرد، پس چه خواهد شد اگر این خلافت از بیرون مرزهای منطقه به وجود آید؟ خلافت دوم خواست عمومی از سوی امت است، نه فقط یک خواسته از سوی مردم این منطقه؛ کافی است که یک حکومت در بلاد مسلمین سقوط کند و اهل دعوت به خلافت در آنجا قدرت را در دست‌گیرند تا امر خلافت در سراسر امت اسلامی مانند آتشی در علفزار خشک منتشر شود. اگر این موجود کثیف از وحشتی که در دل دارد زندگی می‌کند، چگونه می‌تواند ما را بترساند و تهدید کند؟

ادامه مذاکرات امریکا و ایران

ایالات متحده روز چهارشنبه تحریم‌هایی را علیه این نهادها اعمال کرده بود، در چارچوب تلاش برای تشدید فشار بر ایران (الشرق، ۱۵/۴/۲۰۲۵). این تحریم‌ها در زمانی اعمال شدند که دورهای مذاکرات به‌گفته منابع رسانه‌ای به‌طور جدی در جریان بودند. سخنگوی وزارت خارجه ایران، اسماعیل بقایی، گفته است: «تهران با جدیت و قاطعیت به مشارکت در مذاکراتی ادامه خواهد داد که هدف آن دستیابی به نتایجی با ایالات متحده است» (الشرق، ۱۵/۴/۲۰۲۵).

از این رو، بعد به‌طور می‌رسد که این تعویق به‌معنی قطع مذاکرات میان دو طرف باشد؛ بلکه بیشتر به‌منزله تعویق موقت برای آرام‌سازی فضا در پی تحریم‌های آمریکا در جریان مذاکرات کنونی است.

عجیب آن است که حاکمان در سرزمین‌های اسلامی با ذلالت آمریکا در تعیین آنچه مسلمانان از قدرت، سلاح و صنعت دارند موافقت می‌کنند! این حاکمان نمی‌دانند که تدارک نیرو در اسلام برای شکست دشمن و ترساندن و رباعا فکنی است، و اگر دشمن در جزئیات آنچه ما داریم ذلالت کند، این به‌منزله شکست ما پیش از موعد آن است! پس چگونه ایران به آمریکا اجازه می‌دهد که در درختش، موشک‌های خود سلاح هسته‌ای‌اش ذلالت کند. در حالی که پیش از آمریکا ابتراهایش را با سلاح هسته‌ای پُر کرده، و حتی آن را ده‌ها سال پیش در هیروشیما و نازاکی به‌کار بست! آمریکا آشکارا اعلام می‌کند که به ایران اجازه دستیابی به سلاح هسته‌ای نخواهد داد. در حالی که شایسته بود ایران و دیگر حاکمان مسلمان به آمریکا به صدای بلند می‌گفتند: ابتدا سلاح هسته‌ای خود را نابود کن. پیش از آن‌که از دیگران بخواهی آن را نداشته باشی... و موشک‌هایت را نابود کن. پیش از آن‌که از دیگران بخواهی موشک‌هایش را از بین ببرد... اما اینکه دشمنان سلاح سنگین در اختیار داشته باشند و از مسلمانان بخواهند آن را نداشته باشند، در ژرفای این سخن، اگر درک شود، چیزی جز قلم، تکبر و تحقیر دیگران نمی‌توان یافت.

الله سبحانه و تعالی این مطلب را در کتاب خود چنین بیان فرموده است: «وَأَعَدُوا لَكُمْ مَا اسْتَفْتَحْتُمْ مِنَ قُوَّةٍ وَمِن رِطَابِ الْغَيْبِ لَتَرْهَبُوهُنَّ بِهِ اللَّهُ وَعَدْوُكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ كُونِهِمْ لَأَنْ تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَأَنْتُمْ كُنْتُمْ مِنَ الَّذِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُؤَفِّقُ الْيَوْمَ الْوَالْآخِرَ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» «برای آنان تا آنجا که بدان دشمنان الله سبحانه و تعالی و شما دشمنان خود را ترسانند، و کسان دیگری جز آنان را نیز به هراس اندازید که ایشان را نمی‌شناسید و الله سبحانه و تعالی آنان را می‌شناسد. هر آنچه را که راه الله سبحانه و تعالی می‌خواهد، پادشاه آن به تمام و کمال به شما داده می‌شود و هیچ گونه سستی نمی‌بینید» و در مقدمه قانون اساسی، صفحه ۲۵۶ آمده است: (ماده ۹۹: باید ارتش، به سلاح‌ها، تجهیزات، امکانات، لوازم و تدارکاتی مجهز باشد که او را قادر سازد تا وظیفه‌اش را به‌عنوان یک ارتش اسلامی انجام دهد) و فرموده الله سبحانه و تعالی «تَرْهَبُونَ» علتی است برای تدارک و آمادگی کامل نیست مگر آن‌که علتی که برای آن ترسیده شده، محقق شود، یعنی ترساندن دشمن و متعاقبان، از این‌رو فراموشی سلاح‌ها و تجهیزات و تدارکات دیگر برای ارتش واجب است بتواند وظیفه‌اش که جهاد برای نشر دعوت اسلام است را انجام دهد.

همه این‌ها دلالت دارد بر اینکه مسلمانان باید نهایت توان خود را برای آن که هم‌گرا گردند و قدرتشان فراتر از قدرت دشمن باشد و رعب را در دل او وارد کنند، و برای تحقق این امر، باید قدرت ما مدغذ و ترسبی برای دشمن ایجاد کند و او را به خود مشغول دارد و ترسانند و همه این‌ها با ورود به مذاکراتی که دشمن در آن برای ما مشخص می‌کند چه سلاحی داشته باشیم و ما را تسلط بر قدرت خود برای ترساندن و بی‌انداختن او باری‌اند، ناسازگار است. از الله سبحانه و تعالی مسطت داریم که حزب‌التحریر، این پیشگام راستینی که به اهل خوددروغ می‌گویند، را در برپایی دولت اسلام، خلافت راشده توفیق دهد؛ هرچه زودتر و نه دیرتر، تا همان‌گونه که پیش‌تر بود. دشمن را به رعب اندازد، خیر را در سراسر جهان منتشر کند و مگر کفار را به خودشان بازگرداند: «وَيَوْمَئِذٍ يُغْرِخُ الْمُؤْمِنُونَ». بضمیر الله يُغْرِخُ مَنْ يُشَاءُ، وَهُوَ أَغْرَبُ الرَّجْمِ» «در آن روز مؤمنان شما را غرق می‌کند از یاری الله سبحانه و تعالی الله سبحانه و تعالی هر کسی را که بخواهد یاری می‌دهد، و او بس چیره و بسیار مهربان است»

ب) ترامپ در سال ۲۰۱۸ توافق هسته‌ای را لغو کرد، چون منافع عمده این توافق که در سال ۲۰۱۵ میان پنج کشور دائم عضو شورای امنیت و آلمان امضا شده بود، نصیب اروپایی‌ها شده بود. از همین رو، ترامپ کشورهای اروپایی را از مذاکرات هسته‌ای با ایران کنار گذاشت، برخلاف آنچه در سال ۲۰۱۵ رخ داد: او نه با مذاکرات مشورت کرد و نه آنان را در جریان مذاکراتی که در عمان انجام شد، قرار داد. هدفش این بود که مسیر اروپا برای آغاز مذاکراتی با ایران را مسدود کند. دیپلمات‌های اروپایی به «رویترز» گفتند که در تلاش برای برگزاری نشست جدیدی با ایران هستند، اما به‌نظر می‌رسد این تلاش‌ها متوقف شده‌اند، چراکه ایران گفت‌وگوهای غیرمستقیمی را با دولت ترامپ درباره برنامه هسته‌ای‌اش آغاز کرده است. آمریکا پیش از اعلام رسمی این گفت‌وگوها، کشورهای اروپایی را از مذاکرات عمان مطلع نکرده بود... (الشرق، ۲۴/۴/۲۰۲۵). حتی انتخاب ایتالیا به نخست‌وزیری جورجیا ملونی که مورد حمایت دولت ترامپ بود، به‌عنوان محل برگزاری دور دوم مذاکرات، پیامی بود برای کشورهای اروپایی که در تعارض و درگیری با ترامپ قرار دارند؛ به‌ویژه بریتانیا، فرانسه و آلمان. به بهانه پیمان ناتو.

ج) آمریکا قصد دارد تمام توجه و منابع خود را به رقابت جهانی با چین معطوف کند؛ بنابراین در پی آن است که از هر عامل مزاحم و تضعیف‌کننده‌ای رهایی یابد. مذاکرات جاری با روسیه نیز در همین راستا قابل تفسیر است: آمریکا می‌کوشد روسیه را از طریق بحران اوکراین به میز مذاکره بکشاند تا آن را از چین جدا کرده و محور روسی‌چینی را تضعیف کند. بدین‌سان، ترامپ مهار چین را یک اولویت باهردی می‌داند.

د) خواست رژیم بی‌هود برای حمله به ایران به بهانه جلوگیری از دستیابی آن به سلاح هسته‌ای. همان‌گونه که می‌دانیم، رژیم بی‌هود در اکتبر ۲۰۲۴ حمله‌ای علیه ایران انجام داد و ایران نیز با شلیک موشک‌هایی پس از اطلاع قبلی به آمریکا و رژیم واکنش نشان داد تا قدرتش خود را نشان دهد. اکنون ایالات متحده نمی‌خواهد در دوره‌ای که بر چین تمرکز کرده، درگیر چنین حملاتی شود. از این رو، پی امضای توافقی هسته‌ای با ایران است تا امنیت رژیم بی‌هود را تضمین کرده و بهانه حمله را از دست آن‌ها بگیرد. با این حال، یعنی پس از امضای توافق هسته‌ای با ایران، ترامپ که بیشترین حمایت را از رژیم بی‌هود در کاخ سفید دارد، بهانه درگیری را از آن‌ها خواهد گرفت و استدلال‌هایش را از میان می‌برد. در عین حال، منافع اقتصادی آمریکا و مقابله با چین در اولویت قرار داده تا بتواند به‌طور کامل بر چین متمرکز شود، بدون آن‌که چیزی متمرکزش را بر هم بزند یا مانعی بر سر راهش ایجاد کند.

بدین ترتیب، ترامپ این مذاکرات را با ایران آغاز کرد تا توافقی را به‌دور از کشورهای اروپایی و مشخص‌کننده توان هسته‌ای ایران منعقد کند.

اما چرا دور چهارم به تعویق افتاد، به دلایل لاجستیکی بود؛ همان‌طور که در سائدها آمده است. معنی واژه «لجستیکی» طبق تعریف ویکی‌پدیا چنین است: «هنر تأمین و تدارکات». لجستیکی با آن‌گونه که در معنی فن‌السوقیات نامیده می‌شود، علم و هنر مدیریت جریان کالاها، انرژی و اطلاعات است. گویی مدیریت از این واژه، فراهم‌سازی شرایط و آرام‌سازی فضا پس از تحریم‌هایی است که آمریکا هم‌زمان با مذاکرات جاری میان خود و ایران اعمال کرده است. یک مقام ایرانی به خبرگزاری رویترز گفته است که «مذاکرات ایران و آمریکا در زمان دیگری برگزار خواهد شد و این به رفتار آمریکا بستگی دارد»، و اشاره کرده که تحریم‌های واشنگتن علیه تهران به روند دیپلماتیکی که هدفش حل اختلاف هسته‌ای است، کمک می‌کند. این سخن پس از آن گفته شد که اعمال کرد که منتهم به مشارکت در تجارت غیرقانونی نفت و فرآورده‌های پتروشیمی ایران شده‌اند.

رابطه قانون اساسی با عقیده؛ اعلامیه قانون اساسی در سوره به‌عنوان نمونه

استاد مرعی الحسن

با گذر به فصل سوم از اعلامیه قانون اساسی:

نخست: مجلس قدرت قانون‌گذاری را اعمال می‌کند؛ در این بخش، مخالفتی مستقیم و آشکار با عقیده اسلامی وجود دارد؛ و دلیل آن سخن رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم است، زمانی که آیه «تَعَدُوا إِخْتِلافَهُمْ وَزُهْمَتَهُمْ مِنْ ذُنُوبِ اللَّهِ وَالْفَسِخَ مِنْ قَرْنِهِمْ وَمَا آمُرُوا لَأَنْ يَخْلِفُوا إِلَيْهَا وَاحِدًا لَأَنَّ اللَّهَ هُوَ سَخِرَ مِنْهَا عَمَّا يُشْرِكُونَ» «حبار و راهبان خود و مسیح پسر مریم را به‌جای الله سبحانه و تعالی به خدایی گرفتند؛ آن‌که مامور نبوده‌اند جز آن‌که نته الله سبحانه و تعالی یگانه را بپرستند. خدایی جز او نیست. منزه است او از آنچه شریش می‌دانند» در تلاوت می‌گردند که غدی بن حاتم که پیش از اسلام نصرانی بود، بر ایشان وارد شد و گفت: «ای رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم، ما آن‌ها (حبار و راهبان را به عبادت نمی‌کردیم)». رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: «آیا آن‌ها حرام را حلال و حلال را حرام نمی‌کردند؟» گفت: «بله فرمودند: «و شما از آن‌ها پیروی نمی‌کردید؟» گفت: «بله فرمودند: (پس این است عبادت شما از آن‌ها» و این بیان رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم از معنای عبادت است، یعنی اطاعت و تسلیم در برابر پروردگارتان؛ مجلس حکم مجلسی از ایرانیان است که به‌جای الله سبحانه و تعالی قانون‌گذاری می‌کنند.

ماده ۳۰ از اعلامیه قانون اساسی می‌گوید که مجلس وظایف زیر را بر عهده دارد:

الف - پیشنهاد قوانین و تصویب آن‌ها. ب - اصلاح و لغو قوانین پیشین.

بر اساس این دو بند، مجلس حق دارد قوانین را پیشنهاد و تصویب کند؛ درحالی‌که در اسلام، قوانین و احکام باید از اجابت صحیح از منابع معتبر شریعت اخذ شود، یعنی قرآن، سنت و آنچه این دو به آن ارجاع داده‌اند. مانند اجماع صحابه و قیاس شرعی؛ اما لغو و اصلاح قوانین، افزون بر اینکه مخالف عقیده و شریعت اسلامی است، باعث می‌شود امری که دیروز مشروع و حرام بودند، امروز حرام و نیکو تلقی شوند. این موضوع به آشفتگی در زندگی منجر می‌شود؛ درحالی‌که طبیعت انسان به فیات در ازواج، مسکن، کار و تاملی روایت نامی دارد و این فیات تنها از راه نیت در تشریح به‌جست می‌آید؛ اما تغییر در تشریح، زندگی را به تنگی و مسقت می‌شاند. الله سبحانه و تعالی فرماید: «فَأَعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ فَانْ لَهُ نَفْسَهُ ذَنْبًا وَتَضَرَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْرَضَ» «و هر کس از ذکر من روی گردان شود، قطعا زندگی تنگی خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا مشغور می‌کنیم.

اگر بخواهیم تمام مواد موجود در این اعلامیه قانون اساسی را بررسی کنیم، محالی برای بیان همه تفاسیر شرعی آن نخواهد ماند؛ از همین‌رو، آنچه یاد شد بسنده می‌کند. من خطب خود را به امت عظیم، به‌ویژه اهل انقلاب می‌بینم. چنین می‌گویم: ما برای مدت طولانی زیر سلطه حکومت‌هایی زیست‌هایم که ما را با مفاهیم غریبی و عقیده مسکولان آن تغذیه می‌کردند، همراه با کمراساسی مادی و نادان‌سازی نظام‌مند نسبت به مفاهیم اسلام، به‌ویژه در آنچه به نظام‌های حکومت، اقتصاد و اجتماع مربوط می‌شود. تا آنجا که شکل دولت در اسلام و نظام حکومتی آن برای بسیاری از مسلمانان بیگانه و حتی در نظر برخی، غیرقابل‌پذیرش شده است.

پيام من به مدیریت مرحله کنونی در سوره این است: هنوز فرصت جبران وجود دارد و بازگشت از خطا فقهی است بسزى. بازگشت شما به پذیرش قانون اساسی منتهی بر عقیده اسلامی و اجرای شریعت آن، واپس است از سوی الله سبحانه و تعالی، همان خدایی که اهل انقلاب را تنها به فضل و نصرت خود یاری کرد؛ پس خیر خود را به سباحت‌تعالی نشان دهید.

پذیرش قانون اساسی اسلامی، وقیف‌های است بر عهده شما، به‌جاس وفاداری به عهده‌ای که با مجاهدان و شهادتین ما مستجاب: عین‌ی که نباید در آن درگرونی بی‌انحرافی باشد تا در شرف‌گسانی باشد که: «من أوفونین رجالاً مذبذواً عاهدوا الله عليهم فمطمئن من قضي نخبه ومطمئن من يتفقن وما تذلوا تجديلاً» «از میان مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با الله سبحانه و تعالی بر این پیمان بستند وفا کردند. پس برخی از آنان به عهد خود وفا کردند و برخی هنوز در انتظارند و هیچ درگرونی در عهد خود ندادند». تنها از این راه است که وقیفه شکرگزار از الله سبحانه و تعالی برای نمرش ادا می‌شود و جان‌فشان‌های حفظ می‌گردند تا در سباحت‌تعالی مقام بین‌الملل به هدر نرود. چراکه رضایت الله سبحانه و تعالی تنها با اجرای شریعت او به‌جست می‌آید و رضایت غرب تنها از مسیر پیروی از عقیده و شریعت اوست: «وَلَنْ نُزَيِّنَ عُكْتِ الْهُدُودِ وَلَا نُضَيِّقُ حَتَّىٰ يُتَّبِعَ مَقْلَمَهُ قُلُوبَ الَّذِينَ هُوَ اللَّهُ وَهُوَ الَّذِي وَلَّيْنَا تَنْبِيْهَاتِ أَوْهَاتِهِمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَليٍّ وَلَا نَصِيرٍ» «و هرگز نبود و نصیر از تو راضی نخواهد شد تا آنکه از آیین آن‌ها پیروی کنی؛ بگو: همانا هدایت، هدایت الله سبحانه و تعالی است؛ و اگر پس‌از آن دانستی که به تو سرسیده، از خواسته‌های آنان پیروی کن، هرگز برای تو از سوی الله سبحانه و تعالی یاری و پشتیبانی نخواهد بود».

یگان در این یادآوری، عبرتی است برای آن‌که دلی دار یا گوش فرا می‌دهد. درحالی‌که حاضر و هوشیار است؛ ستایش از آن پروردگار جهانپایان است.

اروپا در دوران قرون وسطی عقیده تحریف‌شده نصرانیت را پذیرفته بود؛ عقیده‌ای که به‌حکم حق قانون‌گذاری می‌داد و قوانین و تمام اقدامات او را دارای قداستی می‌دانست که مانع از بازخواست و تغییر آن می‌شد؛ چیزی که به «تفویض الهی» معروف است و به این معناست که پادشاه نماینده اراده الله سبحانه و تعالی است بر روی زمین است؛ بنابراین، عقیده تحریف‌شده نصرانیت، اساس مشروعیت‌بخشیدن به‌صورت قوانین از سوی پادشاه بود و آن قوانین را برای پیروان الزام‌آور می‌کرد.

این امر استیجاد به نام دین را پایه‌ریزی کرد و به‌سبب آن و ظلم‌هایی که به‌دنبال داشت، نزاعی میان رجال کلیسا و اندیشمندیان که خواهان رهایی از فساد حاکم و سلطه او و همراه با کلیسا بر زندگی و مقدرات مردم بودند، درگرفت. این نزاع در نهایت به پذیرش عقیده جدایی دین از زندگی از سوی مردم انجامید و قوانین تنظیم‌کننده روابط میان افراد را یبیین آن‌ها و دولت، از سوی مجلسی قانون‌گذاری صادر می‌گردید که اراده مردم را نمایندگی می‌کرد و سیادت او از مردم بود نه از آن دین.

اگر به آغاز اسلام و بعثت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم بازگردیم، به‌بینیم که اهل یترب پس‌از آن‌که به اسلام با عقیده و شریعت پذیرفتند و پس‌از آن‌که در انصار در زندگی قدم به سوی رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نصرت دادند و پس از هجرت به مدینه، رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم «وَقِيْعَهُ مَدِيْنَةً» در تدوین کرد؛ که همان قانون اساسی تنظیم‌کننده زندگی در مدینه منوره بود.

در ماده اول آمده است که «جمهوری عربی سوریه، کشوری اعلامیه قانون اساسی صادر کرد که شامل ۵۳ ماده اعلامیه بود و عقیده سرحدی‌سکولار را تثبیت می‌کرد؛ همان عقیده‌ای که نظام اسد بر پایه آن استوار بود و علیه آن انقلاب کرده بودیم تا سرنگونش کنیم. با این‌حال، پس‌از آن رخ داد، نشان می‌دهد که طاغوت سقوط کرد، اما قانون اساسی‌اش سقوط نکرد.

اگرچه برخی مواد آمده در این اعلامیه نگاهی بی‌دانشانه تناقض آشکاری را درمی‌یابیم:

در ماده اول آمده است که «جمهوری عربی سوریه، کشوری مستقل با حاکمیت کامل است و واحدی جغرافیایی و سیاسی است که تجزیه‌ناپذیر بوده و واگذاری هیچ بخشی از آن جایز نیست». این ماده نظام حکومتی جمهوری را تثبیت می‌کند که بر گرفته از سکولاریسم است و قانون‌گذاری در آن از سوی بشر انجام می‌گیرد، نه از جانب الله سبحانه و تعالی. درحالی‌که ایمن به الله سبحانه و تعالی مستلزم ایمان بحق، انحصاری او در تشریح است: «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْآخِرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» «آگاه باشید که تنها او می‌قصد و تنها او فرمان می‌دهد. بزبور و جاویدان و دارای کبریات فراوان، الله سبحانه و تعالی است که پروردگار جهانپایان است».

در واژه «عربی» تعصب قوم‌های تثبیت‌شده که میان مسلمانان براساس قومیت‌ها و نژادها، پیمان فرقه می‌افکند و با سخن رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم مخالف است که فرمودند: «هیچ برتری برای عرب بر عجم و برای عجم بر عرب و برای سفید بر سیاه و برای سیاه بر سفید نیست، مگر به تقوا». هدف‌گذاری میان مسلمانان در حقوق و وظایف برقرار نمی‌سازد؛ در آن چارچوب، مسلمان عرب حق دارد آنچه را که مسلمان بربر یا ترک ندارد و بر او واجب است آنچه را که بر دیگران واجب است.

در واژه «سوری»، ملی‌گرایی نیست تثبیت‌شده که میان فرزندان امت تفرقه می‌افکند و وفاداری را به خاک و در چارچوب نژادهای محدود می‌سازد که استعمارگر کافر برای تکیه‌کردن امت رسم کرده است. اگر به ادامه ماده پروردگرم که می‌گوید: (... کشوری مستقل با حاکمیت کامل است و واحدی جغرافیایی و سیاسی به‌عنوان می‌رود که تجزیه‌ناپذیر است و واگذاری هیچ بخشی از آن جایز نیست)، باید پرسید: آیا این کشور از فشارهای بین‌المللی مسلم کامل است یا این‌که از سایر سرزمین‌های تقسیم شده جدا است؛ بنابراین این «استقلال» در واقع تثبیت همان جدایی‌های است که استعمار غربی در توافقی‌نامه سایکس‌پیکو پایه‌گذاری کرد. همگان می‌گویند که دشمنان ما بر اساس قاعده «تفرقه بینداز و حکومت کن» رفتار می‌کنند، و این بسیاری درک نمی‌کنند که این حکومت‌ها خود حافظ این تفرقه‌ها، بلکه آن را تشدید می‌کنند!

در ماده دوم آمده است: (دین رئیس‌جمهور اسلام است و قضاة اسلامی منبع اصلی قانون‌گذاری است). عبارت «منبع اصلی» به این معناست که اسلام یکی از منابع قانون‌گذاری است، به این خود به معنای جدایی سایر منابع دیگر نیز هست و این اتهامی فتنی به شریعت اسلامی است که گویی ناسازگار است و همه احکام لازم برای زندگی انسان را در بر ندارد؛ درحالی‌که این ماده فرموده الله سبحانه و تعالی است: «وَلَنْ نُزَيِّنَ عَمَلِكِ الْكُتَابِ نَبِيْنَا لَنْ نُزَيِّنَ وَهُدًى وَزَمْنَةً بَشَرِيْنَا لِنُعَلِّمَنَّكَ اللَّهُ مَا لَيْسَ لَكَ مِنْهُ نِزَالٌ كَرِيْمٌ كَرِيْمٌ رَاحِشٌ هَرِيْرِيْ يَبْدُو وَابْتِهَامٌ وَرَحْمَتٌ وَبَشَارَتٌ بَرِيْرِيْ لِلْمَسَالِمِ». اگر کمبودی هست، در واقع کمبود در قیام احکام اسلامی است که زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را تنظیم می‌کند، یا ناتوانی در ایجاد برای استخراج آن‌هاست.

صراطی که با آن احوال مسلمانان و مردم را در سراسر جهان راست می‌کند

است اسلامی از اهل ایمان و قدرت پاک‌دل انتظار دارد که دین الله سبحانه و تعالی را یاری کرده و این حکام را ساقط کرده و حکمرانی الله سبحانه و تعالی را در زمین برقرار کنند. اگر حکام مسلمانان کمترین احساس غیرت نسبت به امت خود و تمایل به جات خود و خانواده‌شان از خشم امت را داشتند، سریعاً به‌جانب این امت مظلوم می‌پیوندند؛ اما در میان آن‌ها هیچ‌کس فردی عاقل نیست!

ای سرزبان مؤمن مصر، بهترین سرزبان زمین، ای شجاعان اردن، قهرمانان کرامت که به یهود درسی از قدرت دادید، ای سرزبان ترکیه، محمد فاتح و سلطان عبدالعزیز، ای مومنان زید (هی له، هی له)، ما خود فریاد زدید (هی له)، ما خود فریاد زدید، رژیم بود، ترس خودی را از خلافت، و عهده الله سبحانه و تعالی می‌بگد که هیچ‌گاه دروغ نمی‌گوید و پشارت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نشان می‌دهد، پس به بدگمان خود بازمی‌گردید. ای افسران ای سرزبان پاک و بیگردد و ایران الله سبحانه و تعالی به‌سبب و به گرززاران برای برپایی خلافت پیوندید. دشمن شما متوجه شده که شما در بهترین وضعیت خود هستید و او در بهترین وضعیت حالت خود، پس آیا شما این را درک کرده‌اید؟ پیش از آنکه دشمن به اراده حمله کند، او را غافلگیر کنید، به‌ویژه در مصر و اردن و سوریه و به یاری دین و امت خود پشتیبانید و یقین داشته باشید که به اراده الله سبحانه و تعالی قادر به پیروزی آن خواهید بود. پس به الله سبحانه و تعالی آنچه را که او دوست دارد نشان دهید. این همان رویکرد است که امت به آن شایع آن را می‌طلبد و کارگزاران برای یاری حکمرانی الله سبحانه و تعالی در انتظار آن هستند تا بعداز آن، همان‌طور که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در مدینه برای برقرار کردن حکومت در داخل و گسترش اسلام از طریق دعوت و جهاد در خارج آغاز کرد، این مسیر را ادامه دهند. این است صراطی که با آن امور راست می‌شود و احوال مسلمانان و غیرمسلمانان در سراسر جهان اصلاح خواهد شد.

